

## جامعه‌شناسی در ترکیه فرایندهای تاریخی و اجتماعی مؤثر در ظهور، رشد و نهادینه‌سازی جامعه‌شناسی در ترکیه

محمد توکل<sup>1\*</sup>، نسیم تراب‌نژاد<sup>2</sup>

(تاریخ دریافت: 93/7/15، تاریخ پذیرش: 93/12/5)

### چکیده

با ورود امواج تجدد در قلمرو عثمانی که برای سال‌های متمادی مرکزیت تمدن اسلامی را در اختیار داشت، زیست فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مسلمانان به تدریج دگرگون شد، به دنبال این دگرگونی‌ها زمینه‌های بروز مسایل ناشی از رویارویی سنت و تجدد و به دنبال آن شرایط ظهور رشته جامعه‌شناسی به وجود آمد. جامعه‌شناسی در ترکیه، در پاسخ به پرسش‌هایی که در ارتباط با بحران‌های به وجود آمده در حیات فکری، نظامی و سیاسی امپراطوری عثمانی مطرح شد، توسعه یافت. تلاش‌های فکری متفکرین این دوره برای پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها منجر به ظهور سه جریان عمده غرب‌گرایی، ترک‌گرایی و اسلام‌گرایی گردید؛ بنابراین ظهور جامعه‌شناسی در ترکیه با فرایند تکوین جریان‌های فکری غرب‌گرایی، اسلام‌گرایی و ترک‌گرایی به دنبال افول سیاست عثمانی‌گرایی درهم تنیده است. در این مقاله با بهره‌گیری از

\*mtavakol@ut.ac.ir

1. استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، ایران

2. کارشناس ارشد گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، ایران

روش مطالعه کتابخانه‌ای و با هدف کلی گسترش شناخت از وضعیت رشته جامعه‌شناسی در ترکیه به شرح فرایندهای تاریخی و اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری این رشته و مسائلی که جامعه‌شناسی در این کشور از گذشته تا کنون با آن مواجه بوده پرداخته‌ایم.

**واژگان کلیدی:** جامعه‌شناسی در ترکیه، اسلام‌گرایی، ترک‌گرایی، عثمانی‌گرایی، ضیا گوک‌آلپ، نیازی برکس.

## 1. مقدمه

ترکیه را شاید بتوان جزء تأثیرگذارترین کشورها در تحولات خاورمیانه در طول هفتصد سال گذشته دانست، همچنین ترکیه در میان کشورهای غیرغربی از جمله کشورهای است که پیوندی طولانی و نزدیک با غرب داشته است. با ورود امواج تجدد در عثمانی که برای سال‌های متمادی مرکزیت تمدن اسلامی را در اختیار داشت زیست فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مسلمانان دگرگون شد و زمینه‌های بروز مسایل ناشی از رویارویی سنت و تجدد و متعاقباً رشته جامعه‌شناسی به وجود آمد. غرب و تجدد برای این کشور نیز مانند ایران اساسی‌ترین مساله یک قرن گذشته بوده و بخش عمده‌ای از تحولات و مسایل فکری، فرهنگی و اجتماعی جدید در دو کشور مشترک بوده است، هر چند که ترکیه و ایران طی این مدت راه‌های متفاوتی را تجربه کرده‌اند. از دیگر سو، امروز ترکیه برخلاف گذشته تلاش روزافزون خود را در جهت شناخت پتانسیل‌های علمی، فرهنگی و جامعه‌شناختی کشورهای هم‌جوار به‌ویژه ایران آغاز کرده است (خلج، 1387:9). بنابراین شناخت و معرفی این رشته در ترکیه و مؤثرترین جامعه‌شناسان در روند شکل‌گیری آن بسیار ضروری است.

جامعه‌شناسی در ترکیه پس از نخستین سال‌هایی که در جهان علم مطرح شد، به‌عنوان مجموعه‌ای از دانش<sup>1</sup> مورد استقبال قرار گرفت. شاید این علاقه به جامعه‌شناسی ارتباط مستقیمی با علاقه به روشن‌فکری و حتی فراتر از آن با جهت‌گیری سیاسی افراد دارد. اواخر قرن نوزده میلادی و اوایل قرن بیست، زمان تمرکز توجهات بر جامعه‌شناسی در ترکیه است. در آن دوران روشن‌فکران دولت عثمانی امیدوار بودند که بتوانند به وسیله جامعه‌شناسی پاسخ‌هایی برای پاسخ‌گویی به سؤالاتی از این دست بیابند: «چرا مسلمانان، عثمانیان و ترک‌ها

جامعه‌شناسی در ترکیه فرایندهای تاریخی ... \_\_\_\_\_ محمد توکل و همکار

عقب مانده‌اند؟، ساختار جامعه چیست؟، مکانیزم عملکرد آن چگونه است؟ جامعه چگونه می‌تواند به حیات خود در کنار شرایط ناخواسته کنونی ادامه دهد؟». این وضعیت در دوران جمهوری نیز ادامه می‌یابد. در آن سال‌ها جامعه‌شناسی برای بسیاری از کسانی که در صد ایجاد تغییر و تحول در جامعه بودند تبدیل به رشته‌ای مهم شده بود (Çelebi, 2013: 60). با توجه به این مهم که در ترکیه وقایع سیاسی مسبب فعالیت‌های اجتماعی و فعالیت‌های اجتماعی چالش‌های جامعه‌شناختی را سبب شدند (kaçmazoğlu, 2013:97) تصور خطی مستقیم برای توسعه رشته جامعه‌شناسی در ترکیه ممکن نیست؛ بنابراین روند شکل‌گیری جامعه‌شناسی به‌عنوان یک رشته علمی در ترکیه با در نظر گرفتن نقاط عطف، گسست‌ها و تغییرات عمده‌ای که در جریان شکل‌گیری خود داشته در چند مرحله قابل توضیح است. در این مقاله کوشیدیم این روند را در سه مرحله زیر توضیح و تشریح نماییم:

مرحله نخست، شامل مروری بر فرایندهای نوسازی امپراطوری عثمانی به‌عنوان پیش‌زمینه‌های ظهور جامعه‌شناسی در قرون هجده و نوزده است. مرحله دوم، پیرامون ظهور، رشد و نهادینه‌سازی جامعه‌شناسی و مرحله سوم، در خصوص وضعیت کنونی جامعه‌شناسی در ترکیه است.

## 2. روش تحقیق و تکنیک تحقیق

روش مورد استفاده در این تحقیق توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات نیز بیشتر اسنادی-کتابخانه‌ای است. براساس این روش تمامی مطالب مرتبط با موضوع مطالعه از مقالات، کتاب‌ها و مجله‌های مرتبط و در دسترس فیش‌برداری شده و اطلاعات خام طبقه‌بندی شدند. سپس به تناسب سوالات تحقیق، پاسخ‌ها از درون این مطالب استخراج، توصیف و تحلیل شدند. با توجه به ماهیت موضوع لازم شد تا از نظرات کارشناسان بومی کشور ترکیه نیز استفاده شود؛ بنابراین ابزار دیگر گردآوری اطلاعات در مواردی مصاحبه از طریق مکاتبه با استادان<sup>2</sup> برجسته جامعه‌شناسی در ترکیه پیرامون اعتبار منابع در دسترس و نتایج تحقیق است.

### 3. مرحله نخست: پیش‌زمینه‌های ظهور جامعه‌شناسی در امپراطوری عثمانی

برای فهم روند شکل‌گیری جامعه‌شناسی به‌عنوان یک رشته تحصیلی و زیر شاخه‌ای از علم در دانشگاه‌های ترکیه، فهم جریان‌های فکری قرن نوزده و فرایندهای نوسازی در عثمانی به‌عنوان پیش‌زمینه‌های لازم برای ظهور جامعه‌شناسی در ترکیه بسیار ضروری است. این مرحله شامل نخستین برخوردهای ترکان عثمانی با غرب است که منجر به برآمدن جریان‌های فکری و فلسفی ترکان عثمانی در دو دوره تنظیمات و مشروطه می‌شود. جریان‌های فکری رایج این دوره شامل عثمانی‌گرایی، اسلام‌گرایی و ترک‌گرایی و اندیشه‌های فلسفی شامل عقل‌گرایی، اثبات‌گرایی و ماتریالیزم است.

در دوره ظهور عصر صنعت در اروپا، امپراطوری عثمانی شامل تعداد زیادی از گروه‌های دینی و نژادی بود و حکومت پادشاهی تئوکراتیکی داشت که توسط نوادگان عثمانی به‌صورت موروثی اداره می‌شد. فلسفه مسلط میان متفکرین ترک عثمانی اصالتاً از افکار ارسطو که به عربی ترجمه شده بود و سپس تحت تأثیر تفکرات و باورهای خداشناختی مسلمین، نوافلاطونیان، علوم عربی و کمی افکار هلینیستی تعدیل شده بود نشأت می‌گرفت (Berkes, 1936: 238). از قرن هجده میلادی به بعد در مقابل دول اروپایی که شرایط زندگی نوینی را به لحاظ اقتصادی، علمی، آموزشی و نظامی ایجاد کرده بودند، دولت عثمانی را در شرایطی که در ابعاد یادشده هیچ رشد و توسعه‌ای نداشته و به لحاظ اقتصادی متحمل جنگ‌ها و تهاجمات پی‌درپی است می‌بینیم. دولت عثمانی در برابر دول غربی برای نخستین بار در ابتدای سال 1699م. در معاهده کارلویتز<sup>3</sup> رسماً بخش زیادی از سرزمین خود را از دست داد. این احساس بازندگی نقطه اساسی جنبش‌های نوسازی شد. با امضای این پیمان برخی از دولت‌مردان عثمانی ضرورت نوسازی تکنیک‌های نظامی ارتش عثمانی را با چنین تصور داشتن برتری غرب از جهات نظامی، فناوری و آموزشی اعلام کردند (Ülken, 1966: 16). تعدادی از افراد دولتی و غیردولتی (بیشتر شامل افرادی است که برای ادامه تحصیل به اروپا اعزام می‌شدند) در مخالفت با حکومت عثمانی به این نتیجه رسیدند که باید دنباله‌روی پیشرفت‌های علمی، آموزشی، نظامی، تکنولوژیکی و اقتصادی غرب باشند. مراحل مهمی در جهت ورود عثمانی به نوسازی وجود دارد، در این میان دوره تنظیمات و مشروطه مهم‌ترین مراحل هستند. در آغاز

قرن نوزده حرکت‌های کوچک برای غربی‌شدن و نوسازی تبدیل به جریان فکری عظیمی با هدف پیروی از غرب شده بود. مهم‌ترین روشن‌فکران غرب‌گرا در این دوره نامق کمال<sup>4</sup>، ضیا پاشا<sup>5</sup> و ابراهیم شیناسی<sup>6</sup> هستند که هر سه دارای تفکرات غرب‌گرایانه و ناسیونالیستی بودند. احمد جودت پاشا<sup>7</sup> به‌عنوان متفکری سازش‌گر و اهل مصالحه، علی سعاوی<sup>8</sup> نیز متفکری انقلابی از مهم‌ترین تجدیدگرایان این دوره هستند. عقل‌گرایی، ماتریالیسم و اثبات‌گرایی مهم‌ترین جریان‌های فکری غربی این دوره بودند که اندک‌اندک تأثیرات خود را در افکار نوجوانان نشان می‌دادند. مسئله اساسی از منظر این جریان‌های فکری عقب‌ماندگی در برابر پیشرفت‌های غربی بود. در این دوره پرسش اساسی «چرا مسلمانان، عثمانیان و ترک‌ها عقب مانده‌اند؟» تمامی اذهان را به خود مشغول کرده بود (Akgin, 2013: 6).

جریان‌های فکری دوره مشروطه دوم نیز ناشی از نگرانی‌های ممانعت از واژگونی امپراطوری عثمانی است. در این دوره تلاش می‌شود تا پیوندهای مستحکمی که جامعه عثمانی را کنار هم نگه می‌دارد، کشف و قوی‌تر گردند. در قرن نوزده، از یک‌سو دولت عثمانی در حال بازسازی و نوسازی سازمان‌های خود بود و از دیگر سو مفاهیمی مانند توسعه اقتصادی، دموکراسی و آزادی در اروپا در حال انتشار به کل دنیا بود. این مفاهیم بزرگ‌ترین تأثیرشان را درون ملت‌ها و اقلیت‌های تحت حاکمیت امپراطوری عثمانی نشان دادند. تجدید قوا و بازسازی دولت عثمانی در قالب تنظیمات که حقوق و آزادی بیشتری برای اقلیت‌های درون امپراطوری در نظر گرفته بود و تحولات دنیا از سوی دیگر منجر شد جنبش‌های جدایی طلبانه درون مرزهای امپراطوری عثمانی مجال بروز پیدا کنند. به دنبال این وقایع، تلاش روشن‌فکران برای چاره‌اندیشی موجب ظهور جریان‌های فکری عثمانی‌گرایی، اسلام‌گرایی و ترک‌گرایی شد. نخستین پیشنهاد برای ایجاد اتحاد سیاسی از طریق وحدت تمامی تبعه‌های مسلمان - غیرمسلمان دولت عثمانی است. این اتحاد همان عثمانی‌گرایی یا اتحاد عثمانی است (Atasoy, 2013: 20-23). در سال 1908 سیاست عثمانی‌گرایی موفق به حفظ تمامیت خاک عثمانی نشد و این منجر به بروز اختلافات سیاسی شد. این بار جهت‌گیری روشن‌فکران به سوی اسلام‌گرایی و ترک‌گرایی معطوف شد (همان: 136). اسلام‌گرایی نیز به‌عنوان یک ایدئولوژی سیاسی کارایی خود را برای حفظ یک‌پارچگی امت اسلام در دوران امپراطوری عثمانی نشان

نداده بود و نمی‌توانست مانع ورود شیوخ عرب به بازی شود که امپریالیست راه انداخته بود. به دنبال این مسایل و جنگ‌های بالکان در سال‌های 1912-1913 م. سیاست عثمانی‌گرایی به‌طور کامل کنار گذاشته شد و اسلام‌گرایی نیز با کسب استقلال آلبانی‌ها در سال 1912 م. و عصیان‌گری اعراب در سال 1916 ضعیف شد؛ بنابراین تنها راهی که برای ترکان باقی مانده بود، بیداری وجدان ملی و حمایت از ناسیونالیسم ترک بود. در این میان ضیا گوک آلپ راه میانه و سنتزی را میان سه گرایش اسلام‌گرایی، ترک‌گرایی و نوگرایی ارائه کرد و به ترک‌گرایی بعدی جامعه‌شناختی بخشید. این تلاش فکری گوک آلپ آغازی برای شکل‌گیری جامعه‌شناسی در ترکیه است.

#### 4. مرحله دوم: ظهور، رشد و نهادینه‌سازی جامعه‌شناسی در ترکیه

مشابه با فرانسه در آغاز قرن بیستم در تفکر جامعه‌شناسی ترکیه نیز دو رویکرد جامعه‌شناختی مشخص و متفاوت وجود داشت: جامعه‌شناسی دورکیم و جامعه‌شناسی لاپلای<sup>9</sup>. دومین شباهت دیگر اولویت و انتخاب جامعه‌شناسی دورکیمی بر دیگری بسته به زمینه‌های سیاسی در هر دو کشور است. در این دوره تمایل کلی روشن‌فکران ترک برای حل مسایل و مشکلات از طریق کمک به دولت مشابه با جامعه‌شناسی در فرانسه است (Ilyasoğlu, 1985: 2165). اگرچه در ترکیه، مسئله اساسی بازسازی دوباره جامعه نبود، بلکه تأسیس یک دولت ملی نوین پس از فروپاشی امپراطوری عثمانی بود. جامعه‌شناسی در ترکیه نیز از زمان ظهور خود در ابتدا به‌عنوان ایدئولوژی فرقه اتحاد و ترقی<sup>10</sup> و سپس ایدئولوژی نظام جمهوری پذیرفته شد. دو نام پراهمیت در حیات روشن‌فکری جامعه‌شناسی ترکیه ضیا گوک آلپ<sup>11</sup> و پرنس صباح‌الدین<sup>12</sup> است. اولی نماینده مکتب دورکیمی و دومی نماینده مکتب لاپلای<sup>13</sup> (1806-1882) است. هر دو به دنبال ارائه پاسخی برای سوال «چه باید کرد؟» در شرایطی که امپراطوری عثمانی در حال از دست دادن نظم و قدرت خود در برابر شورش‌های داخلی و دول خارجی است، بودند. پرنس صباح‌الدین نتوانست ایده‌های خود را در آن زمان منتشر کند؛ آنها در برابر جامعه‌شناسی دورکیمی که ضیا گوک آلپ متمرکز بر آن قرار داشتند و سطح تحلیل آنان افراد بود. او طرفدار اندیشه‌های لاپلای بود که بر آزادی و استقلال فردی تأکید داشت. در اواخر دوره عثمانی که

دولت در حال از دست دادن نظم پیشین خود در برابر حرکت‌های تجزیه‌طلبانه اقلیت‌های دینی و قومی درون امپراطوری و فشارهای دول غربی بود، آن رویکرد جامعه‌شناختی که متوجه مشکلات و مسایل اجتماعی باشد و واحد تحلیل آن جامعه در کلیتش باشد بر رویکردی فردگرایانه تر ارجحیت داشت و از طرف ضیاگوک آلپ و همفکرانش به‌عنوان رشته ناجی امپراطوری عثمانی از فروپاشی پذیرفته شد. سرآغاز جامعه‌شناسی در ترکیه با تلاش‌های فکری ضیا گوک آلپ پیوند خورده است. در ترکیه از گوک آلپ به‌عنوان پدر جامعه‌شناسی ترکیه یاد می‌شود. ضیا گوک آلپ روشن‌فکر اواخر دوران امپراطوری عثمانی در قرون نوزده و بیست بود. جلوگیری از فروپاشی و تکه‌تکه شدن دولت عثمانی و تشکیل دولت نوین و مدرن در ترکیه آرمان او بود. در طول این دوره، حرکت‌ها و جنبش‌های استقلال‌طلبانه اقلیت‌های نژادی تحت تأثیر ایده ناسیونالیسم در حال تکه‌تکه کردن اجزای خاک امپراطوری بود. گوک آلپ متفکری بود که تمامی شرایط، ویژگی‌ها، مشکلات و مسائل ترکیه را با رویکرد جامعه‌شناختی دورکیم به‌صورت سیستماتیک مورد بررسی قرار داد (Çelebi, 2002: 256). او مفهوم هم‌بستگی دورکیم را وام گرفت، اما دورکیم که مفاهیم هم‌بستگی مکانیکی و ارگانیکی را درون چارچوب مفهوم جامعه به کار گرفت، در درون مفهوم ملت به کار بست، در ترکیه تنها برخوردها و تضادهای دینی و قومی - نژادی وجود داشت؛ بنابراین در چنین شرایطی ایجاد هم‌بستگی ملی از شروط اصلی است (Ülken, 2007: 120). تمایز میان فرهنگ - تمدن پایه و اساس دیدگاه اجتماعی و سیاسی ضیاگوک آلپ را فراهم می‌کند. در ابتدا او شکست امپراطوری عثمانی را به وسیله رابطه میان فرهنگ و تمدن توضیح می‌دهد و سپس راه احیای ملتی نوین را ارائه می‌دهد که متشکل از آرمان ترک‌گرایی، اسلام‌گرایی و نوگرایی<sup>14</sup> از طریق تمایز میان فرهنگ و تمدن است. تعریف او از ترک‌گرایی معادل با درک او از فرهنگ است (Berkes, 1956: 37). ضیا گوک آلپ علاوه بر این که جامعه‌شناسی را وارد ترکیه کرد در نهادینه‌سازی آن نیز نقش بسزایی داشت. نخستین کتاب درسی جامعه‌شناسی توسط ضیاگوک آلپ نوشته شد. این کتاب شامل درس‌هایی است که گوک آلپ در دانشکده ادبیات دانشگاه استانبول (شعبه ادبیات دارالفنون استانبول در آن زمان) ارائه می‌داد. چاپ و نشر ماهنامه‌ای تحت عنوان مجله جامعه‌شناسی نیز از سوی دانشکده ادبیات دانشگاه استانبول در سال 1917م.

آغاز و تا امروز نیز ادامه دارد. این مجله اصیل‌ترین مجله در حوزه جامعه‌شناسی محسوب می‌شود. ناشر آن نیز ضیا گوک آلپ بود. ضیاگوک آلپ در سال‌های 1915-1919 دروس اجتماعیات و تطبیقات، اجتماعیات حقوق، خانواده و توتیمیزم را ارائه می‌داد. نخستین کرسی جامعه‌شناسی در درون بخش فلسفه دانشکده ادبیات دانشگاه استانبول توسط ضیاءگوک آلپ در سال 1914م. تأسیس شد. نخستین انجمن جامعه‌شناسی نیز اگر چه در عنوان خود، واژه جامعه‌شناسی در ترکیه را ندارد، اما در تشکیل و نهادینه‌سازی جامعه‌شناسی در ترکیه بسیار مؤثر بود، جمعیت دانش ترکی<sup>15</sup> است که در سال 1913 در استانبول تأسیس شد (Çelebi, 2002:256-257). گوکآلپ نیز در میان مؤسسين این انجمن وجود داشت.

جامعه‌شناسی در ترکیه از تأسیس تا سال‌های آغازین جمهوری بسیار مورد پسند دولت بود؛ زیرا ایدئولوژی رسمی دولت را شکل می‌داد. می‌توان گفت جامعه‌شناسی مکتب فرانسوی در شکل‌دهی به دیدگاه علمی جامعه‌شناسان این دوره بیش از سایر کشورها مؤثر بود. رویکرد جامعه‌شناسی غالب رویکرد دورکیمی گوک آلپ بود که جهت‌گیری ناسیونالیستی نیز داشت (Berkes, 1936: 249). مطالعات و تحقیقات جامعه‌شناختی در این دوران، یعنی از تأسیس جمهوری ترکیه در سال 1924م. تا اوایل دهه 1940م. بیشتر پیرامون موضوعاتی چون انقلاب، عقب‌ماندگی ترکیه نسبت به غرب و بررسی علل و عوامل آن با رویکردهای نظری مختلف است. بیشتر این مطالعات در دانشگاه استانبول که در این دوران یکه‌تاز عرصه مطالعات جامعه‌شناختی بود، صورت پذیرفت. در این زمان دارالفنون استانبول که پس از انقلاب به دانشگاه استانبول تغییر نام داد، اختیار منحصر به فرد جامعه‌شناسی را در ترکیه به عهده داشت. مطالعات این دوره کاملاً نظری - مفهومی بود و هیچ صبغه کمی، آماری و میدانی نداشتند (Akpolat, 2013: 76).

در سال‌های 1940م. در ترکیه، رویکرد جامعه‌شناختی جدیدی ظهور کرد. دومین کرسی مهم جامعه‌شناسی در ترکیه در سال 1939 در آنکارا برپا شد. این انجمن از اقتدار منحصر به فرد دانشگاه استانبول در عرصه جامعه‌شناسی کاست. جامعه‌شناسان بنیان‌گذار این انجمن فرایند جامعه‌شناسی را که تاکنون ارائه شده بود، تحت تأثیر قرار دادند. نیازی برکس<sup>16</sup> و بهیجه بوران<sup>17</sup> از مؤسسين این انجمن که هر دو تحصیلات تکمیلی خود را در آمریکا ادامه داده



جامعه‌شناسی در ترکیه فرایندهای تاریخی ... محمد توکل و همکار

بودند، مرحله جدیدی را آغاز کردند. ارجاعات هر دو استاد به جامعه‌شناسی آمریکاست. در نتیجه تلاش این افراد جامعه‌شناسی ترکیه ادبیات نظری خود را بسط داد. منابع جامعه‌شناسی آمریکایی در کنار منابع فکری و نظری فرانسوی مورد استفاده جامعه‌شناسان قرار گرفتند. در این دوره دو تحول مهم صورت گرفت؛ اول این که حوزه‌های جدید تحقیقاتی وارد دانشگاه آنکارا شده بود، یعنی مطالعات پیرامون شهر و روستا بیشتر با روش‌های میدانی افزایش یافته بود. دوم، جهت گشودن فضایی برای مطالعات تجربی در جامعه‌شناسی تلاش‌های بسیاری انجام گرفت. کتاب برکس تحت عنوان پژوهش‌هایی پیرامون برخی روستاهای آنکارا<sup>18</sup> و کتاب بوران با عنوان پژوهش‌هایی پیرامون ساختار اجتماعی<sup>19</sup> که در سال‌های 1940 نوشته شده‌اند تجسم و ظهور روش‌های میدانی، جامعه‌شناسی کاربردی و پژوهش‌های تجربی جدیدی است. رویکرد جامعه‌شناسی جدیدی که مبتنی بر واقعیت‌های اجتماعی عینی باشد، به‌عنوان جانشینی برای سنت دورکیم-گوک آلپ ظاهر شد. این روش جدید کاملاً در چارچوب جامعه‌شناسی کاربردی بود و به این طریق تفاوت‌های خود را به نمایش گذاشت (همان: 85-87). پس از سال‌های 1940 برخلاف سال‌های آغازین، جامعه‌شناسی دیگر کارکرد مشروعیت‌بخشی به دولت را نداشت و رویکرد انتقادی‌تری پیدا کرد (Kaçmazoğlu, 2010: 76).

در سال 1950 برای نخستین بار در ترکیه انتخاباتی یک مرحله‌ای صورت گرفته بود. با انتخابات 1950، مرکز اقتدار به کلی از حزب جمهوری خواه به حزب دموکرات منتقل شد. از سوی دیگر، تحولات مهمی در سیاست‌های خارجی در حال ظهور بود. در اثر پیامدهای جنگ جهانی دوم، ترکیه تحت رهبری آمریکا، در حال ادغام شدن با سیستم‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی دنیای لیبرال غرب در چهارچوب قراردادهای دوطرفه بود. به این سبب دوره جدیدی که در سال 1950 آغاز شد، درک تارهای از جامعه‌شناسی و پس از آن درک جدیدی از فعالیت‌های جامعه‌شناسی را در پی دارد. جامعه‌شناسان این حوزه، از دموکراسی و لیبرالیسم تقدیر و از کمونیسم، سوسیالیسم و حرکت‌های چپ انتقاد می‌کردند. در این دوره نخستین حوزه پراهمیت مورد مطالعه جامعه‌شناختی، غربی شدن دومین حوزه ویژگی‌های یک ساختار اجتماعی فردگرایانه، و سومین حوزه سوسیالیسم و کمونیسم است. در سال‌های 1950 و 1951 تغییرات بسیاری در قانون کیفری ترکیه به وجود آمد. این تغییرات هرگونه ایده و نظری را که

از جناح چپ در دانشگاه‌ها پیروی می‌کرد، منع کرده بود. برخی حرکت‌های چپ یعنی کمونیسم و سوسیالیست از طرف دولت منع می‌شدند و در این مخالفت برخی جامعه‌شناسان نیز حضور داشتند. برخی جامعه‌شناسان این دوره خواستار کاهش مسئولیت‌ها و اختیارات اقتصادی دولت شدند و با تلاش‌ها و تحقیقات خود از ضرورت لیبرالیسم سخن می‌گفتند. در سال‌های 1950 جامعه‌شناسانی که رویکرد جامعه‌شناختی آنان به‌ویژه رویکرد روشی آنان دوباره مطرح شد، پرنس صباح‌الدین<sup>20</sup> بود. در این دوره نگرش جامعه‌شناختی کنت-دورکیمی گوک آلپ کاملاً کنار گذاشته شد و رویکرد فردگرایانه پرنس صباح‌الدین مطرح شد. روش‌های تجربی و مفاهیمی مانند ساختار جمعی اهمیت خود را از دست دادند. پیروزی انگلوساکسون‌ها در جنگ جهانی دوم نگرش‌های مکتب علوم اجتماعی<sup>21</sup> را به عرصه ظهور کشانده بود. جامعه‌شناسان تحت تأثیر مکتب علوم اجتماعی انگلوساکسونی، مسائل اجتماعی را با هدایت جامعه‌شناسی تجربی و پژوهش‌های میدانی بررسی کردند و تحقیقات میدانی فراوانی را انجام دادند (Kaçmazoğlu, 2008: 146).

با وجود دوره‌های پیش از 1960، که سخنی از سوسیالیزم نبود، پس از 1960 بیشترین مطالعات جامعه‌شناختی معطوف بر موضوع سوسیالیزم است. در سال‌های 1960-80 در ساختار اجتماعی ترکیه، تحولات مهمی صورت می‌گیرد، مهاجرت به‌عنوان مهم‌ترین مساله در ترکیه به میدان می‌آید و مهاجرانی که به شهرها آمده‌اند فرایند حاشیه‌نشینی را آغاز می‌کنند. این تنها یک انتقال جمعیتی از روستا به شهر نیست، بلکه از ترکیه به کشورهای اروپایی نیز مهاجرت نیروی کار آغاز می‌شود. در کنار این مسایل، ترکیه پس از سال 1960، جامعه را در جهت مصرفی شدن پیش می‌برد. دیگر بار در ترکیه در اثر سیاست صنعتی شدن فعالیت‌های صنعتی، توسعه فرصت‌های آموزشی، تغییرات ساختار طبقاتی در ابعاد زیاد، ساختار خانواده، ارزش‌ها، علایق و عادت مصرفی، مهاجرت از روستاها به شهرها و کشورهای خارجی و ظاهر جدید شهرها همگی دچار تغییر و تحول شدند. تمامی این تغییر و تحولات در سال‌های 1960-1980 مسیر تحقیقات و فعالیت‌های جامعه‌شناسی را تحت تأثیر قرار دادند و جامعه‌شناسان را به سوی تحقیق و پژوهش پیرامون مسائل برآمده از این تغییرات سوق دادند (Kaçmazoğlu, 2013: 118). در این دوره تغییر مهمی در گرایش‌های جامعه‌شناسی حاکم

جامعه‌شناسی در ترکیه فرایندهای تاریخی ... محمد توکل و همکار

ظهور می‌کند، هم‌زمان با غالب‌شدن جامعه‌شناسی آمریکایی در ترکیه، گرایش‌های جامعه‌شناختی متمرکز بر تحقیقات تاریخی ظهور می‌کنند. در سال‌های 1960 در ترکیه دو درک متفاوت جامعه‌شناختی که کاملاً در برابر هم قرار دارند در حال ظهور بود. نخستین رویکرد جامعه‌شناختی ساختاری- کارکردگرایی آمریکایی بود، و دومین رویکرد جامعه‌شناختی که به تحقیقات تاریخی اهمیت و ارزش بیشتری می‌داد. در سال‌های 1960-80 جامعه‌شناسانی که تحت تأثیر جامعه‌شناسی آمریکایی بودند، در تحقیقات خود رویکرد اثبات‌گرایی، تعیین اجتماعی و تجربه‌گرایی را در مرکز کار خود قرار دادند، از سوی دیگر تعداد زیادی جامعه‌شناس رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی را اساس کار خود قرار دادند. اینان ویژگی‌های تغییر تاریخی ترکیه را مورد چالش و بررسی قرار دادند. در این خصوص گرایش‌های کلی جامعه‌شناسان درباره تاریخ اجتماعی ترکیه را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. نخستین آن گروهی است که میان خط تکاملی غرب و ترکیه تفاوتی قائل نمی‌شود، و دومین گروهی است که جامعه ترکیه و غرب را از یکدیگر متمایز و متفاوت می‌شمارد. جامعه‌شناسانی که معتقد به ضرورت شناخت ساختار اجتماعی جامعه عثمانی و پیش‌عثمانیان به منظور شناخت امروز و آینده هستند فرایند پیوسته و مداوم ترکان باستان و به‌ویژه مرحله آخر عثمانیان را تا سال‌های تأسیس ترکیه و سال‌های 1960 مورد بررسی دقیق قرار دادند. چنین رویکردی ادعای وجود نداشتن رابطه و پیوستگی میان جامعه عثمانی و ترکیه پس از جمهوری را ضعیف می‌کند. این نظریه را که میان جامعه عثمانی و ترکیه از لحاظ اجتماعی و نهادی تداوم و پیوستگی وجود دارد مطرح می‌کند (کاچمازاوغلو و سایر، 2013: 120). پس از سال‌های 1960 در میان جامعه‌شناسانی که به بررسی ویژگی‌های ساختار اجتماعی و فکری دوره عثمانی خصوصاً مرحله آخر آن پرداختند نیازی برکس و شریف ماردین<sup>22</sup> جایگاه ویژه‌ای دارند (Özdemir, 2008: 201).

## 5. مرحله سوم: وضعیت کنونی جامعه‌شناسی در ترکیه

از سال‌های 1980 ترکیه وارد فاز جدیدی از تغییرات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌شود. تغییراتی که در ابتدا در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی ایجاد می‌شود بعدها در حوزه فرهنگی نیز

مشاهده خواهد شد. در ترکیه پس از 1980 به دنبال باد نولیبرالی که آغاز به وزیدن کرده است، به خصوص با شکل‌گیری نهادهای غربی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، سیاست‌های مداخله‌گر در حوزه اقتصاد که به رهبری نخبگان دولتی به صورت مرکزی پیاده می‌شدند، به سرعت اعتبار خود را از دست دادند. سیاست‌های اقتصادی که اقتصاد بازار آزاد را تبلیغ می‌کردند تقریباً به ترکیه و کشورهای مشابه که در حال کامل کردن فرایند صنعتی شدن بودند تحمیل شده بود. بی‌تردید سرنگونی نمایندگان مدل اقتصاد متمرکز یعنی کشورهای بلوک شرق تأثیر بزرگی در این تغییر داشته است. پس از اواسط سال‌های 1980 با کنار رفتن دولت نظامی در ترکیه، دولتی مدنی‌تر بر سر کار می‌آید و اندک اندک سیاست‌هایی که در جهت مدنی‌سازی هستند، قدرت بیشتری می‌گیرند. در دوران جدید با کنار رفتن نقش پیش‌گام دولت در حوزه اقتصاد دیری نمی‌پاید که پای دولت از تمامی حوزه‌های حیات اجتماعی (خانواده، فرهنگ، صنعت، دین، آموزش، بهداشت و ...) کوتاه می‌شود، تا جایی که اندک اندک میدان برای به وجود آمدن جامعه مدنی فراهم می‌گردد (Özcan, 2013: 145). در سال‌های 1980 در اثر تغییرات سیاسی و اجتماعی، در حوزه نظریه اجتماعی نیز برخی تغییرات بنیادی مشاهده می‌شود. در رأس این تغییرات، بحث‌ها و نظریه‌های مارکسیستی تأثیر خود را در جامعه‌شناسی از دست داده بودند، با از بین رفتن ارزش و اعتبار نظریه‌های اجتماعی مارکسیستی هر گونه نگرش و واژگان که اساسی اقتصادی-سیاسی داشت، کنار گذاشته شد. به جای تحلیل طبقه‌بندی و ساختار اجتماعی، تحلیل‌های حومه شهری، فقر و تغییرات اجتماعی، توسعه و رشد، رفاه اجتماعی، برابری، توزیع درآمد و ... مطرح شد. نسل جامعه‌شناسانی که در سال‌های 1970 و بخشی تا میانه 1980 حول ابعاد اقتصادی مدرنیته دست به تحقق می‌زدند در دوره‌های بعدی به موضوعات متفاوت دیگری پرداختند. آنان از مسائل اقتصادی جدا و به مسائل و موضوعات فرهنگی پرداختند، جامعه‌شناسانی که در سال‌های 70-1960 به تاریخ عثمانی، اقتصاد و ساختار اجتماعی عثمانیان می‌پرداختند دست از تاریخی‌گرایی برداشتند، و تمامی توجه خود را بر امروز و مسائل حال حاضر معطوف کرده بودند. پروژه‌هایی مانند سوسیالیسم، انقلاب و ... که بر آینده معطوف است، کاملاً از جامعه‌شناسی برکنار شدند. در این تغییرات، پیروزی سرمایه‌داری علیه سوسیالیسم در زمان

جامعه‌شناسی در ترکیه فرایندهای تاریخی ... \_\_\_\_\_ محمد توکل و همکار

فروریزی دیوار برلین نقشی مهم داشت. حذف کامل ایدئولوژی‌های سخت و قاطع در رسیدن پایان تاریخ و قوت گرفتن گرایشات مبتنی بر بی‌اعتباری پیش‌بینی‌های معطوف بر آینده، راه را برای نظر در لحظه زیستن و افزایش گرایش‌های مصرفی که ناشی از سرمایه‌داری است فراختر کرده بود.

بحث دیگری که در سال‌های آغازین 1980 در حال ظهور بود مربوط به معرفت‌شناسی و روش‌شناسی علوم اجتماعی است. در این چارچوب انتقادات زیادی بر اثبات‌گرایی مبنی‌بر قطعیتی که از علوم طبیعی وام گرفته است، معیارهای عینیت و قانون‌مندی وارد شد. در رشته‌هایی علمی که هدف یا موضوع آن‌ها جامعه است (به‌ویژه جامعه‌شناسی) موجی از پرسش‌ها و انتقالات درباره معنای بی‌طرفی ارزشی در اثبات‌گرایی مطرح شده بود. در این دوره افکاری از این قبیل که روش‌های علمی مطلق نیست و محصول فرایندهای اجتماعی است، رواج یافتند. جامعه‌شناسی در این دوره در ترکیه، به یک پارادایم جامعه‌شناختی جامع وابسته نبود. در سال‌های 1980-2000 قدرت یافتن رویکردهای بومی و مفهوم‌سازی اصیل و بومی را شاهد هستیم. علوم اثبات‌گرا، مهندسی اجتماعی و علمی که ادعای قانون‌مندی و جهانی‌بودن را دارند (علوم تعمیمی و قانون‌گذار) مورد بررسی انتقادی بسیاری قرار گرفتند. با کنار رفتن پارادایم‌های جامعه‌شناختی فراتاریخی، تکاملی، تعمیمی، کل‌گرا، قانون‌گذار به مرور پارادایم‌های تاریخی، بومی، خاص‌گرا و هرمنوتیک وارد صحنه شدند. تفسیر در ترجیحات روش‌شناختی نیز قابل مشاهده است، به جای کارکردگرایی، ساختارگرایی و کنش متقابل نمادین که در روش‌شناسی اثبات‌گرا هستند و در میان جامعه‌شناسان دوره‌های پیشین رواج داشتند، امروزه روش‌شناسی‌های هرمنوتیک، پسااثبات‌گرا، تحلیل گفتمان و نقش‌های زبانی مورد توجه قرار گرفتند. در این دوره حرکت از تحقیقات کمی، داده‌ای و موردی به سوی تحقیقات کیفی در حال شدت گرفتن است. انتقال تولید علمی به خارج از دانشگاه‌ها از تغییرات دیگری است که در این دوره در حوزه تحقیقات جامعه‌شناختی مشاهده می‌شود. از میانه‌های سال‌های 1980 انتشاراتی‌های بزرگ و مطرح، نهادهای استراتژیک، انجمن‌ها، شهرداری‌های شهرهای بزرگ و سایر نهادهایی که فعالیت‌های علمی-فرهنگی انجام می‌دهند افراد تحصیل کرده را در فعالیت‌های خود سهیم کردند. در آغاز سال‌های 1990، در ترکیه

انفجاری در چاپ و فروش کتاب‌های ترجمه‌شده نشر داخلی و نشر خارجی دیده می‌شود. در دوره‌های پیشین تحقیقات جامعه‌شناختی در دانشگاه‌ها، به‌ویژه دانشگاه‌های دولتی انجام می‌گرفت، اما دیگر روند جامعه‌شناسی از دولت جدا و مستقل شده است و از طریق گروه‌های خصوصی و محلی تأمین و حمایت مالی می‌شود. در حوزه سیاسی نیز در ترکیه پس از سال‌های 1980 با کسب اعتبار مفاهیمی چون ادغام در جهان میراث دولت ملی به چالش کشیده شد. جهت فرایند هماهنگی با اتحادیه اروپا و در اثر تأثیرات مستقیم جهانی شدن، در ترکیه در حوزه سیاست و جامعه‌شناسی مفهوم ملی از دستور کار خارج شده و زیرمجموعه‌هایی از ملت مانند جمعیت‌ها و اقلیت‌های نژادی و دینی مورد تأکید قرار گرفتند. در سال‌های 1990، یکی از مفاهیمی که بسیار مطرح می‌شود مفهوم مدرنیته غیرغربی است. ایده‌های مبنی بر این که مدرنیته تنها دارای یک تیپ نیست و با اشکال فراوان و متنوع‌تری قابل پیاده‌سازی است. این رویکرد کاملاً در مقابل رویکردهایی که تنها یک نوع مدرنیته و آن هم از نوع کلاسیک غربی را سراغ دارند قرار دارد. امروز کشورهای غیرغربی در پی راه‌هایی هستند که متناسب با نیازها و شرایط خودشان از غربی شدن به سوی مدرنیته‌ای منحصر به فرد پیش روند. تحقیقات و تلاش‌های شریف ماردین و نیلوفر گوله<sup>23</sup> در این دوره موجب شد مباحث جهانی شدن و پست‌مدرنیسم در دستور کار دانشگاهی قرار گیرد. در این دوران برخی نویسندگان از نو مطرح شدند. در واقع افکار این نویسندگان از زمینه پیشینی‌شان جدا شده و به دلیل محتوای اصیل و بومی که داشتند این بار با روح دوران جدید مطالعه و تفسیر شدند. برای نمونه تصویری که در ذهن خوانندگان سال‌های 1970 از جمیل مریچ<sup>24</sup> وجود داشت با تصویر خوانندگان سال‌های 1980 از او یکسان نیست.

امروزه چنین به نظر می‌رسد که جامعه‌شناسی در ترکیه در حال جدا کردن مسیر خود است. دو حالت وجود دارد، از یک سو رویکردهایی را که جوامع را به بی‌نظمی محکوم می‌کنند، هر نوع راه حلی را غیر ممکن می‌خوانند و پایان جوامع را اعلام می‌کنند، و از طرف دیگر جامعه‌شناسی به طریق دیگر از نو ساخته خواهد شد و برای تولید علمی که موجب رفاه و رضایت سایر جوامع دنیا شود تلاش خواهد کرد. نخستین گزینه، جامعه‌شناسی را تا حد مهندسی اجتماعی و خدمات اجتماعی پایین می‌آورد و دومین گزینه نیز امکان جست و جوی

دنیایی تازه برای انسان و وجود آرمان شهری دست‌یافتنی برای انسان را ارائه می‌کند (Özcan, 2013: 202).

## 6. نتیجه‌گیری

جامعه‌شناسی در ترکیه، در پاسخ به پرسش‌هایی که در ارتباط با بحران‌های به وجود آمده در حیات فکری، نظامی و سیاسی امپراطوری عثمانی مطرح شد، توسعه یافت. مهم‌ترین پرسش‌ها در این دوره عبارتند از: چرا امپراطوری عثمانی در حال فروپاشی است؟ راه چاره و نجات دولت چیست؟ (Berkes, 1936: 239). تلاش‌های فکری متفکرین این دوره برای پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها منجر به ظهور سه جریان عمده غرب‌گرایی، ترک‌گرایی و اسلام‌گرایی شد. هریک از این جریان‌ها راه برونرفت از بحران را به‌گونه‌ای متفاوت مطرح کردند و نمایندگان فکری خاص خود را داشتند. بعدها این جریان‌های فکری به گرایش‌های اصلی در جامعه‌شناسی ترکیه تبدیل شدند؛ بنابراین ظهور جامعه‌شناسی در ترکیه با فرایند تکوین جریان‌های فکری غرب‌گرایی، اسلام‌گرایی و ترک‌گرایی به دنبال افول سیاست عثمانی‌گرایی درهم تنیده است. نکته حائز اهمیت و جالب توجه در مورد گرایش‌های فوق این است که هر سه گرایش عثمانی‌گرایی، اسلام‌گرایی و ترک‌گرایی به نوعی منبع غربی دارند و در جهت ارائه راه حلی برای برونرفت از بحران‌هایی که امپراطوری در آن گرفتار آمده بود توسعه یافتند. هر سه به نوعی نگاه به غرب دارند و غرب را نادیده نگرفته‌اند، اسلام‌گرایان در صدد هستند تا با حفظ ارزش‌های اسلامی تکنولوژی غرب را بیاموزند. عثمانی‌گرایان و ترک‌گرایان نیز در پی روابط سیاسی بیشتری با غرب بودند. گرایش‌های اصلی جامعه‌شناسی ترکیه به دنبال برقراری روابط سیاسی جدید با غرب به وجود آمد و غرب‌گرایی تبدیل به نخستین موضوع در جامعه‌شناسی ترکیه شد (Özcan, 2013: 222). در سال‌های پس از تأسیس جمهوری ترکیه جامعه‌شناسی دارای کارکرد مشروعیت‌بخشی به دولت، منافع و علایق دولت‌مردان سیاسی بوده است، به‌گونه‌ای که تا دوره‌های طولانی تحت تأثیر حرکت‌های سیاسی بود و این منجر شد هر مکتب فکری مدت کوتاهی دوام داشته باشد و با هر تغییری در سیاست به سرعت تغییر کند. موضوعات و گرایش‌های اصلی جامعه‌شناسی در ترکیه در دوره‌های مختلف تغییر می‌یافتند، اما

این تغییرات ناشی از تغییرات ماهیت خود جامعه و یا حاصل دینامیزم‌های درونی آن نیست، بلکه فرایند جامعه‌شناسی در ترکیه، ویژگی‌ها و گرایش‌های اصلی آن با نقاط عطف سیاسی هم‌پوشانی دارد. مانند بسیاری از کشورهای دنیا دولت نقش اساسی را در دانشگاه‌های ترکیه بازی می‌کند به گونه‌ای که می‌توان گفت دولت سیاسی جامعه‌شناسی را تعیین می‌کند. هر چه میزان نهادینه‌شدن این رشته در دانشگاه‌ها افزایش می‌یابد بر میزان تعیین دولتی نیز افزوده می‌شود (Hançer, 2004: 6-8). در ارتباط با این مهم می‌توان گفت چند عامل جامعه‌شناسی را در ترکیه تحت تأثیر خود قرار داده است:

خود رشته جامعه‌شناسی و طبیعت آن، وابستگی کلی دانشگاه‌ها به‌عنوان یک نهاد به قدرت سیاسی، ویژگی‌های سیاسی و اجتماعی و ماهیت در حال تغییر ترکیه و عامل آخر سلسله مراتب قدرت در سراسر جهان و تقسیم کار تولید دانش است. در توضیح عامل اول می‌توان بیان کرد که پس از ورود جامعه‌شناسی غربی در ترکیه روشن‌فکران و دانشگاهیان ترک به مخالفت، تقلید، پیروی یا انتقاد نسبت به آن پرداختند. قریب به اتفاق بیشتر جامعه‌شناسان هرگز جامعه‌شناسی غربی را مبنی بر این‌که آیا پیرامون موضوعات و مسائل کشور مشکل‌گشا خواهد بود یا نه به چالش نکشیدند و تنها به اخذ و به‌کارگیری آن پرداختند. این گرایش در همان زمان در ایدئولوژی و سیاست‌های آموزش نیز مشهود بود. آن دسته افراد معدودی که رویکردی انتقادی داشتند جامعه‌شناسی غربی را به چالش کشیدند. این انتقادات شامل، نقدهایی بر جامعه‌شناسی در درون خود و هم بر قابلیت و امکان به‌کارگیری آن در ترکیه بود. تعدادی از این جامعه‌شناسان منتقد، علاوه بر این‌که رویکردی انتقادانه بر جامعه‌شناسی غربی اتخاذ کردند، سعی در آوردن جایگزینی نیز به‌جای آن داشتند. برای نمونه از نظر جمیل مریچ جایگزین جامعه‌شناسی غربی علم عمران ابن خلدون است (اوزدمیر، 2008: 1040). در توضیح عامل آخر می‌توان اذعان داشت رابطه جامعه‌شناسی در ترکیه با جامعه‌شناسی غربی رابطه‌ای مرکز-پیرامونی است. سلسله مراتب قدرت در سراسر جهان و تقسیم کار تولید دانش، منجر به ظهور تقسیم‌بندی مرکز و پیرامون در حوزه تولید علم شد. این به این معنا که جوامع مرکز دانش را تولید می‌کنند و سایر کشورهای پیرامونی داده‌های متناسب با آن دانش، نظریه و موضوع تحقیقاتی را فراهم می‌کنند. دانشگاهیان و دانشمندان علوم اجتماعی در ترکیه



جامعه‌شناسی در ترکیه فرایندهای تاریخی ... \_\_\_\_\_ محمد توکل و همکار

تحت تأثیر فشار مضاعف هستند، از طرفی فشارهای علوم غربی - مرکزی و از طرف دیگر سازمان‌های بروکراتیک و قوانین آموزشی سطوح بالاتر. بسیاری از روابط و ویژگی‌های در حال تغییر در جامعه‌شناسی ترکیه در قالب روابط هژمونیک مرکز - پیرامونی ارائه شده است. برای نمونه بسیاری از تغییرات که در حوزه نظریه و روش‌شناسی در غرب ظهور کرده است تأثیر خود را بر جامعه‌شناسی در ترکیه نشان داده است، به گونه‌ای که پذیرش و به‌کارگیری نظریه‌های غربی از تمایلات جامعه‌شناسان ترک در اکتشاف روش‌شناسی و نظریه‌های مناسب در مطالعات ملی و محلی پیشی گرفته است. روابط هژمونیک مرکز - پیرامونی در ترکیه در حوزه‌های نظریه، روش‌شناسی، اولویت نوع و مکان انتشار اثر بسیار مشهود است. بسیاری از مطالعات جامعه‌شناختی ترکیه تعمیمی از جامعه‌شناسی غربی است. در چنین شرایطی جامعه‌شناسی غربی محور بسیار مشروع شمرده می‌شود و علوم غربی بسیار معتبر هستند. در ترکیه معمول‌ترین رویه میان دانشجویان بدین طریق است که آنان مطالعاتی را پیرامون ترکیه با به‌کار بستن نظریه‌های غربی انجام می‌دهند و این یکی دیگر از نشانه‌های رابطه مرکز - پیرامونی جامعه‌شناسی در ترکیه است (Akşit, 1986: 195-196).

## 7. پی‌نوشت

1. Body of knowledge
2. Prof. Dr. Nuri Tinaz, Dr. H. Bayram Kaçmazoğlu, Prof. Dr. M. Çağatay Özdemir and Dr. Sait Ozervarli
3. Treaty of Karlowitz
4. Namik Kemal
5. Ziya Paşa
6. Ibrahim Şinasi
7. Ahmet Cevdet Paşa
8. Ali Suavi
9. Pierre Guillaume Frédéric le Play
10. İttihat ve Terakki Cemiyeti
11. Ziya Gökalp
12. Prens sabahattin
13. Pierre Guillaume Frédéric le Play
14. Turkism, Islamism and Modernism
15. Turk Bilgi derneği
16. Niyazi Berkes
17. Behice Boran

18. Bazı Ankara Köyleri Üzerinde Bir Araştırma
19. Toplumsal Yapı Araştırmaları
20. Prens sabahattin
21. De Science Sociale
22. Şerif Mardin
23. Nilüfer Göle
24. Cemil Meriç

## 8. منابع

- خلیج منفرد، ابوالحسن (1387). تعاملات فرهنگی ایران و ترکیه: فرصت‌ها و چالش‌ها، ناشر پژوهش‌گاه فرهنگ، هنر و ارتباطات: تهران.
- کاظمی محمدی، سیدمحمد موسی (1388). «نقش احزاب ترکیه در روابط جمهوری اسلامی ایران و ترکیه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مطالعات منطقه‌ای گرایش خاورمیانه، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- لوئیس، برنارد (1372)، برآمدن ترکیه نوین، ترجمه محسن علی سبحانی، ناشر: تهران.
- Akgün, M. (1991). Hoca Tahsin Efendi'nin ilim ve Felsefe Anlayışı, Fen-Edebiyat Fak., Edebiyat Bilimleri Araştırma Dergisi, S. 19, Erzurum: Fen-Edebiyat Fak., Ofset Tesisleri.
- Akgün, M. (1993c). Materyalizmde Kimlik Problemi, Türk Yurdu, S. 66, Ankara: Sistem Of set Ltd. şti.
- Akgün, M. (2005). Materyalizmin Türkiye'ye Girişi, Ankara: Özkan Matbaacılık.
- Akpolat, Y. (2013). "Erken Cumhuriyet Döneminde Türk Sosyolojisi", in Türkiye'de sosyoloji, T.C Anadolu universitesi, yayni No: 2638. pp. 74- 95.
- Akşit, B. (1967). Türkiye'de Az gelişmiş Kapitalizm ve Köylere Girişi. Ankara: Orta Doğu Teknik Üniversitesi Öğrenci Birliği Yayınları.
- Akşit, B. (1986). Türkiye'de Sosyoloji Araştırmaları: Bölmelenmişlikten Farklılaşma ve Çeşitlenmeye (Sociological Research in Turkey: From Compartmentalization to Diversity and Variety)", In Türkiye'de Sosyal Bilim Araştırmalarının Gelişimi (The Development of Social Science Research in Turkey), edited by S. Atauz, pp. 195-232. Ankara: Türk Sosyal Bilimler Derneği Yayını, 1986.

- Atasu, F. (2013). “Meşrutiyet Dönemi Düşünce Akımları”, in Türkiye’de sosyoloji, T.C Anadolu universitesi, yayni No: 2638. pp. 28- 49.
- Berkes, N. (1936). Sosyoloji in Turkey. The American Journal of Sosyology, 42 (2), 238-246.
- Berkes, N. (1942). Bazi Ankara Köyleri Üzerine Bir Araştırma. Ankara: Uzluk Basimevi.
- Berkes, N. (1942; 1985). Bilim Dünyasındaki Durumumuz. In Felsefe ve Toplum *Bilim Yazıları*. İstanbul: Adam.
- Berkes, N. (1965). Baticilik, Ulusçuluk ve Toplumsal Devrimler. istanbul: Yön Yayinlari.
- Berkes, N. (1966). Az Gelişmişliğin Tarihsel Nedenleri, Yön Dergisi, 23 Eylül 1966, Sayi: 182.
- Berkes, N. (1973; 2002). Türkiye’de Çağdaşlaşma. İstanbul: YKY.
- Berkes, N. (1975). Türk Düşüncesinde Batı Sorunu. İstanbul: Bilgi Yayınevi.
- Berkes, N. (1976). Türkiye iktisat Tarihi. Cilt: I, istanbul: Gerçek Yayinlari.
- Berkes, N. (1978). Türkiye’de Çağdaşlaşma. istanbul: Doğu-Batı Yayinlari.
- Çelebi, N. (2002). Sociology associations in Turkey: continuity behind discontinuity. International Sociology, 17(2), 253–267.
- Çelebi, N. (2004). Sosyoloji Ve Metadoloji Yazıları. Ankara: AnıYayincılık.
- Çelebi, N. (2007). Sosyoloji Notlari. Ankara: Ani Yayincilik.
- Çelebi, N. (2013). “Türkiye’de Sosyolojinin Kurumsallaşması”, in Türkiye’de sosyoloji, T.C Anadolu universitesi, yayni No: 2638. pp: 50-72.
- Ensar, Y. (2010). Ziya Gökalp politicasociology, International Journal of Sociology and Anthropology Vol. 2(3), pp. 02.
- Gökalp, Z. (1986). Türkçülüğün Esaslari. Haz. M. Kaplan, 2. Baski, Ankara: Kültür Bakanlığı Yayinlari.
- Gökalp, Ziya. (1976), Türkleşmek, İslamlaşmak, Muasırlaşmak, Hazırlayan: İbrahim Kutluk, Ankara.

- Gökçe, B. (1971). Memleketimizde Cumhuriyet Devrinde Kimsesiz Çocuklar Sorunu. Ankara: Sağlık ve Sosyal Yardım Bakanlığı Sosyal Hizmetler Genel Müdürlüğü.
- Hancer, Z. Y. (2004), Problems and sature of sociology in Turkey, A theses submitted to the graduate school of social science of Middle East technical university, september 2004.
- Kaçmazoğlu, H. B. (1998). Demokrat Parti Dönemi Toplumsal Tartışmaları. istanbul: Birey Yayinlari.
- Kaçmazoğlu, H. Bayram. (2008). Türk Sosyoloji Tarihi Üzerine Araştırmalar Öncüleri ve Temelleri Çerçevesinde Yaklaşımlar, birey yayincilik, 1999, Istanbul.
- Kaçmazoğlu, H. B. (2010). Türk Sosyoloji Tarihi 2. Ankara: Ani.
- Kacmazoglu, H. B. (2013). "1950-1960 Döneminde Türk Sosyolojisi", "1960-1980 Döneminde Türkiye'de Sosyoloji", in - --Türkiyede sosyoloji, T.C Anadolu universitesi, yayni No: 2638. pp. 96- 140.
- Kongar, E. (1981). Toplumsal Değişme Kuramlari ve Türkiye Gerçeği. istanbul: Remzi Kitabevi.
- Kongar, E. (1985). Toplumsal Değişme Kuramlari ve Türkiye Gerçeği. istanbul: Remzi Kitabevi.
- Korlaelçi, M. (2002). Pozitivizmin Türkiye'ye Girişive ilk Etkileri. Ankara: Öncü Basimevi.
- Mardin, ş. (1983). Din ve ideoloji. istanbul: iletişim Yayinlari.
- Mardin, ş. (2003). Türk Modernleşmesi. Çev. M. Türköne ve T. Önder, istanbul: iletişim Yayınevi. Matbaasi.
- Meriç, C. (2006). Sosyoloji Notları ve Konferanslar, İletişim Yay, İstanbul.
- Nefes, T. Salim. (2013). Ziya Gökalp's adaptation of Emile Durkheim's sociology in his formulation of the modern Turkish nation, International Sociology. Volume 28, Issue 3, May 2013, pp. 335-350.
- Ozcan, U. (2013). " 1980-2000 Döneminde Türkiye'de Sosyoloji", in Türkiyede sosyoloji, T.C Anadolu universitesi, yayni No: 2638. pp. 142- 167.

- Özdemir Çağatay. M. (2008). Türkiye'de Sosyoloji & İsimler Eserler, Phoenix yayın evi, Yayın yılı: 2008.
- Sezer, B. (1977). Türk Toplum Tarihi Tartışmaları Toplum ve Bilim, Kiş 1977, Sayı: 4.
- Sezer, B. (1979). Asya Tarihinde Su Boyu Ovaları ve Bozkır Uygarlıkları. istanbul: Edebiyat Fakültesi Basimevi.
- Sezer, B. (1989). Türk Sosyologları ve Eserleri -I, Sosyoloji Dergisi. istanbul: 3.
- Sezer, B. (1991). Türk Sosyolojisinin Önündeki Sorunlar. In 75. Yılında Türkiye'de Sosyoloji, İ. Coşkun (Ed.). Ankara: Bağlam.
- Turhan, M. (1987). Kültür Değişmeleri, Sosyal Psikolojik Açından Bir Tetkik. istanbul: Marmara Üniversitesi ilahiyat Fakültesi Vakıf Yayınları.
- Ülken, H. Z. (1937). Tanzimattan Sonra Türkiye'de Şkir Hareketleri. Tanzimatın 100. Yıldönümü Kitabı.
- Ülken, H. Z. (1953). Köyden şehre Göç, Gayret Dergisi. Sayı: 17, Mayıs 1953.
- Ülken, H. Z. (1961). Türkiye'de Batılilaşma Hareketi, Ankara Üniversitesi ilahiyat Fakültesi Dergisi. Yıl: 1960, Cilt: 8.
- Ülken, H. Z. (1962). Siyasi Partiler ve Sosyalizm, istanbul: Anıl Yayınları.
- Ülken, H. Z. (1966). Türkiye'de Çağdaş Düşünce Tarihi. Konya: Selçuk Yayınları.
- Ülken, H. Z. (1979). Türkiye'de Çağdaş Düşünce Tarihi, istanbul: Ülken Yayınları.
- Ülken, H. Z. (2007). Ziya Gökalp. (1. Baskısı 1942) istanbul: Türkiye İş Bankası Kültür Yayınları.